



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

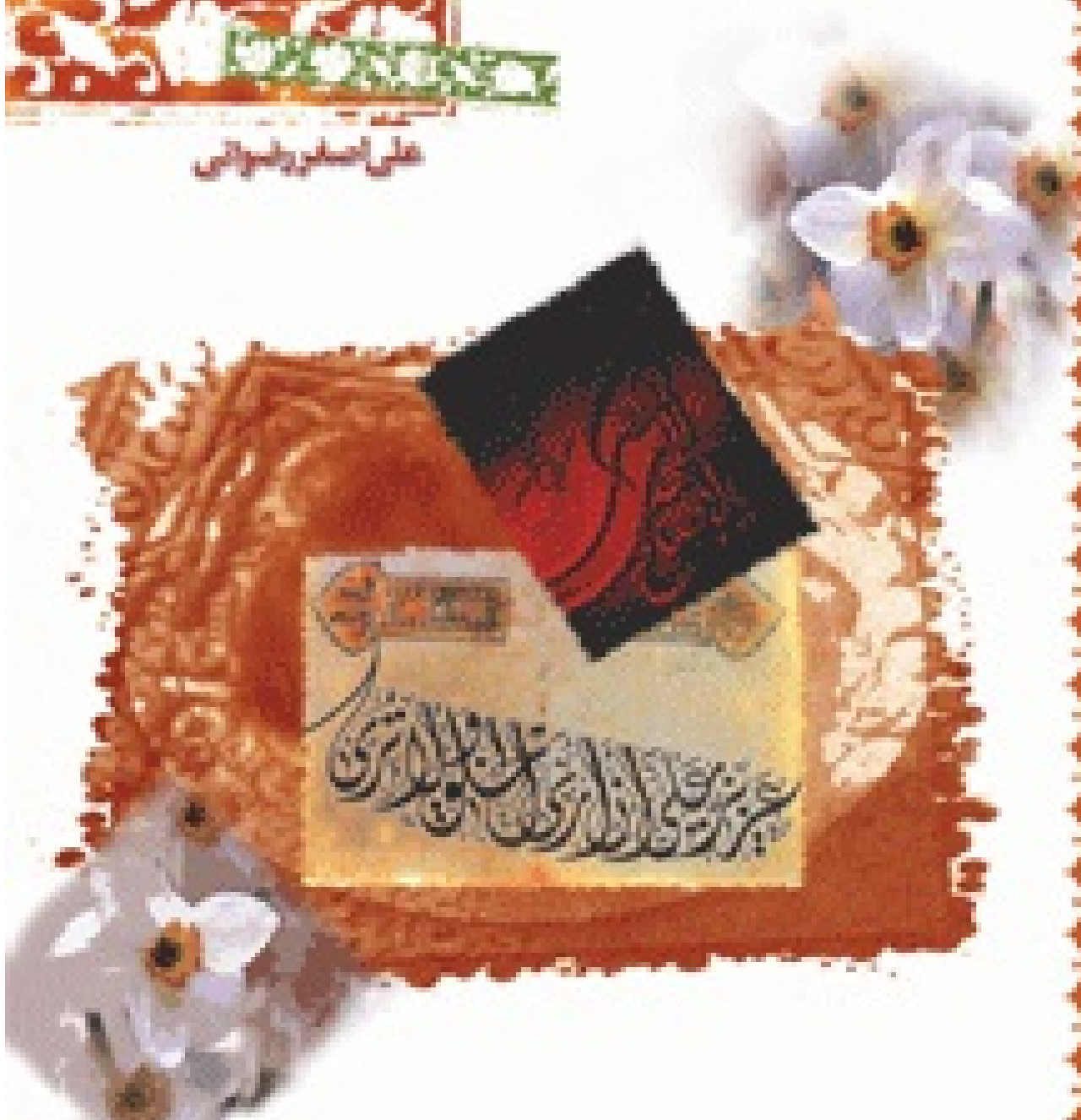


سلسله مباحث مهدویہ

پرسی دعای ندبہ



علی اصغر دہلوی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی دعا ندبه

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	بررسی دعای ندبه
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	مقدمه ناشر
۱۶	سند دعای ندبه
۱۷	راه تشخیص روایت صحیح از غیر صحیح
۱۸	نظر بزرگان درباره دعای ندبه
۱۹	ناقلان دعای ندبه
۲۰	راوی دعای ندبه
۲۱	«محمد بن مشهدی» راوی با واسطه دعای ندبه
۲۱	«محمد بن علی بن ابی قرّه» راوی دیگر دعای ندبه
۲۲	توثیق ابن مشهدی
۲۲	دعای ندبه از کدامین امام است؟
۲۵	ارتباط امام زمان علیه السلام با کوه رَضْوَى و ذی طوی
۲۶	عدم تصریح به نام تمام امامان
۲۷	مخالفت با معراج جسمانی
۲۸	تألیفات درباره دعای ندبه
۲۹	دعاهای دیگر در عصر غیبت
۳۰	مکان های سفارش شده برای دعا در عصر غیبت
۳۲	فلسفه توسل به امام زمان علیه السلام
۳۴	نهی از عجله
۳۴	دعای عهد
۳۷	ولایت تکوینی امام زمان «علیه السلام»

۳۷	اشاره
۳۸	اشاره
۳۸	تعریف ولایت
۴۰	معنای ولایت تکوینی
۴۰	توجه به باطن
۴۱	اثر بندگی خدا
۴۲	قرب الهی
۴۴	آثار قرب الهی
۴۷	قرآن و ولایت تکوینی اولیای الهی
۵۰	ولایت تکوینی امام زمان علیه السلام
۵۷	سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت
۶۰	فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران
۷۱	درباره مرکز

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱

عنوان قرارداد: دعای ندبه. شرح

عنوان و نام پدیدآور: بررسی دعای ندبه / مولف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۴۸ص.

فروست: سلسله مباحث مهدویت.

شابک: ۳۵۰۰ ریال: چاپ دوم: ۹۶۴-۸۴۸۴-۹۸-۸؛ ۳۵۰۰ ریال چاپ سوم ۹۶۴-۸۴۸۴-۹۸-۴؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ چهارم)

یادداشت: چاپ اول: ۱۳۸۵ (فیا).

یادداشت: چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ سوم.

یادداشت: چاپ چهارم: تابستان ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: دعای ندبه -- نقد و تفسیر

شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره: ۲۶۹/۷۰۴۲۲BP۵ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۴

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۱۸۵۶۳

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده اند و با پوچ گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده اند، برآن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

روش عرف و عقلا- در مسائل تاریخی، قبول هر خبری است که در کتب تاریخی معتبر یا مشهور نقل شده باشد. ولی علمای اسلام در قبول اخبار و روایاتی که مربوط به احکام شرع و معارف دینی است به این مقدار اکتفا نمی کنند، بلکه درصدد بحث و تحقیق برآمده و در سند احادیث و عدالت و وثاقت راویان حدیث بررسی کامل می کنند، و مادامی که اطمینان کامل و وثوق به احادیث پیدا نکنند به آن عمل نمی نمایند.

این دقت و تحقیق به جهت حصول اطمینان به صدور حدیث از معصوم در مورد تکالیف الزامی، اعم از وجوب و حرمت دو چندان می شود، ولی در مورد مستحبات احتیاج مبرم به این گونه بررسی نیست. مورد ادعیه از این قسم است؛ زیرا به جهت استحباب قرائت آن احتیاج مبرمی به بررسی سندی ندارد، بلکه قرائت آن به رجا و امید مطلوبیت کافی است، و می توان از قوت متن و الفاظ و مضامین دعا پی به اعتبار آن برد؛ زیرا این مضامین در آیات و روایات معتبر نیز وارد شده است. خصوصاً آن که مطابق اخبار «من بلغ» که دلالت بر تسامح در ادله سنن و مستحبات دارد، احتیاج چندانی به بررسی سند ادعیه مستحبه نیست.

از آنجا که برخی از کذبین از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در صدد جعل و وضع حدیث و نسبت آن به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام بوده اند، لذا جا دارد که میزانی را برای تمیز بین حدیث صحیح از غیر صحیح به دست دهیم. در این باره به چند میزان می توان اشاره نمود:

۱ - موافقت با قرآن

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل کرده که فرمود: «إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقِّ حَقِيقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا، فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ»؛^(۱) «همانا بر هر حقیقی حقیقتی و بر هر صوابی نوری است، پس آنچه موافق کتاب خداست اخذ کرده و آنچه مخالف کتاب خداست رها کنید.»

۲ - موافقت با سایر کلمات معصومین علیهم السلام

حسن بن جهم می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: از جانب شما احادیث مختلف به ما می رسد؟ حضرت فرمود: «ما جَاءَكَ عَنَّا فَاقْسِ عَلَيَّ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَحَادِيثَنَا، فَإِنَّ كَانِ يَشْبَهُمَا فَهُوَ مِنَّا، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ يَشْبَهُمَا فَلَيْسَ مِنَّا»؛^(۲) «آنچه از جانب ما به شما رسید بر کتاب خداوند عزوجل و احادیث ما مقایسه کنید، اگر شبیه آن دو است از ما می باشد، وگرنه از ما نیست.»

۳ - موافقت با عقل و عدم مخالفت با حکم آن

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل است که فرمود: «هرگاه از من حدیثی به

ص: ۱۰

۱- ۱. کافی، ج ۱، ص ۶۹، ح ۱.

۲- ۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۲۱، ح ۳۳۳۷۳.

شما رسید آن را بر کتاب خدا و حیّیت عقولتان عرضه بدارید، اگر موافق این دو بود قبول کرده و گرنه آن را بر دیوار زیند»^(۱).

نظر بزرگان درباره دعای ندبه

شیخ مرتضی انصاری رحمه الله در کتاب «المکاسب» در بخش خیارات در ذیل حدیث «المؤمنون عند شروطهم» می گوید: بعید نیست که بگوییم عنوان «شرط» بر التزامات ابتدایی صادق نیست، بلکه متبادر عرفی از «شرط» همان التزامات تابع عقد است، همان گونه که از موارد استعمال این کلمه در مثل قول امام در دعای ندبه استفاده می شود، آنجا که در ابتدای دعا فرمود: «بعد أن شرطت عليهم الزهد فی درجات هذه الدنيا الدنیه»^(۲).

شیخ انصاری رحمه الله گویا این دعا را امر مفروغ عنه از حیث صحت گرفته و لذا به آن در مجال احکام شرعی استدلال کرده است.

محشّین مکاسب شیخ بر او در این نکته هیچ اعتراضی نکرده و سند آن را نیز مورد مناقشه قرار نداده اند.

شیخ عبدالله مامقانی در حاشیه خود بر مکاسب می گوید: «وجه دلالت این جمله از دعا بر مقصود این است که: کلام امام به این بر می گردد که خداوند عزوجلّ به بندگان خود فرمود: هر کس در این دنیا زهد پیشه کند من به او نعمت مقیم عطا خواهم کرد...»^(۳).

ص: ۱۱

۱-۳. شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۱؛ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۳، ص ۳۹۲.

۲-۴. المکاسب، ج ۵، ص ۲۱.

۳-۵. حاشیه مامقانی بر مکاسب، قسم خیارات، ص ۱۲.

ایروانی نیز می گوید: «امّا اطلاق شرط در دعای ندبه به اعتبار این است که در ضمن التزام "جزیل ما عنده" ... آمده است...»^(۱).

ناقلان دعای ندبه

دعای ندبه را عده ای از علما و محدثین نقل کرده اند از آن جمله:

۱ - شیخ مشهدی در «المزار» از محمد بن ابی قره و او از کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری نقل کرده و آن را به امام زمان علیه السلام نسبت داده است.^(۲)

۲ - سید بن طاووس در «مصباح الزائر» و «اقبال الاعمال» از بعض اصحاب ما از محمد بن علی بن ابی قره به نقل از کتاب محمد بن حسین بن سفیان بزوفری نقل کرده و آن را به امام زمان علیه السلام نسبت داده است.^(۳)

۳ - علامه مجلسی رحمه الله در کتاب «زاد المعاد» می گوید: «و اما دعای ندبه که مشتمل بر عقاید حقّه و تأسّف بر غیبت قائم علیه السلام است، به سند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است...»^(۴).

۴ - قبل از این بزرگان، این دعا را شیخ جلیل ثقه ابوالفرج محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره فنانی که معاصر شیخ نجاشی و از اعلام قرن پنجم بوده، نقل کرده است. کسی که شیخ محمد بن مشهدی در کتاب «المزار» از او زیاد نقل می کند.

ص: ۱۲

۱-۶. حاشیه ایروانی بر مکاسب، ج ۲، ص ۵.

۲-۷. المزار، ص ۵۷۳، دعای ۱۰۷.

۳-۸. مصباح الزائر، ص ۴۴۶؛ اقبال الاعمال، ص ۲۹۵ - ۲۹۹.

۴-۹. زاد المعاد، ص ۴۸۸.

۵- و نیز شیخ جلیل ثقه ابو جعفر محمد بن حسین بن سفیان بزوفری در کتاب «الدعاء» نقل کرده است. او که از مشایخ شیخ مفید رحمه الله به حساب می آید مورد تأیید خاص او قرار گرفته است. حاجی نوری در «خاتمه المستدرک» او را از مشایخ شیخ مفید برشمرده و به وثاقت و جلالت قدر او شهادت داده است.

مرحوم آیت الله بروجردی می فرمود: «یکی از راه های شناخت رجال، شناخت شخصیت شاگردان آنان است. و هرگاه مشاهده شد که اشخاصی همچون شیخ مفید رحمه الله از شخص معینی زیاد روایت نقل می کند و هرگز مذمتی در حق او ندارد این به نوبه خود نشانه این است که آن شخص مورد وثوق و اطمینان است».

راوی دعای ندبه

کسی ادعا نکرده که بزوفری این دعا را بدون واسطه از امام نقل کرده است. و آیا لازم است هر کسی که روایتی را از امام نقل می کند معاصر با امام باشد؟

ما اطمینان داریم که این دعا یا با سند در کتاب بزوفری روایت شده ولی دیگران که از آن کتاب نقل کرده اند از باب مسامحه آن سند را حذف کرده اند، و یا این که بزوفری از آنجا که دعا را معروف و مشهور دیده احتیاجی به ذکر سند ندیده است؛ زیرا همان گونه که در این زمان معروف و مشهور است، در عصرهای گذشته نیز چنین بوده است. خصوصاً آن که متن آن با آیات قرآن و روایات دیگر سازگاری تمام دارد.

«محمد بن مشهدی» راوی با واسطه دعای ندبه

از کلمات آیت الله خویی رحمه الله به نقل از شیخ حرّ عاملی به دست می آید که مراد از محمد بن مشهدی، محمد بن علی بن جعفر است. (۱)

ولی مرحوم حاجی نوری در «خاتمه مستدرک» در این باره می گوید: «مراد از محمد بن مشهدی، محمد بن جعفر بن علی بن جعفر مشهدی است که از وی به عنوان «حائری» نیز یاد شده است. ایشان یکی از راویان ابی الفضل شاذان بن جبرئیل قمی است. او همچنین با دو واسطه از شیخ مفید روایت نقل می کند». (۲)

به هر حال او هر که باشد شخصی قابل اعتماد و مورد وثوق و جلیل القدر است که توصیف و مدح وی در کتب رجال آمده است.

«محمد بن علی بن ابی قرّه» راوی دیگر دعای ندبه

او از جمله راویان صاحب کتاب و مورد اعتماد است. نجاشی درباره وی می گوید: «... او ثقه بوده و روایات فراوانی شنیده و کتاب های بسیاری تألیف کرده است. وی کسی بود که کتاب ها را ورق به ورق برای اصحاب امامیه می خواند و همواره در مجالس با ما بود». (۳)

از آنجا که نجاشی اجازه نقل کتاب های ابن ابی قرّه را از وی داشته است لذا می توان او را از مشایخ اجازه مرحوم نجاشی دانست.

ص: ۱۴

۱- ۱۰. معجم رجال الحدیث، ج ۱۷، ص ۲۵۹.

۲- ۱۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۸.

۳- ۱۲. رجال نجاشی، ص ۲۸۳.

از آنجا که محمد بن جعفر مشهدی معاصر محمد بن ابی قره نبوده است لذا می توان آن را این گونه توجیه کرد:

۱ - شیخ مشهدی معمر بوده و لذا محمد بن ابی قره را درک کرده است.

۲ - اگرچه خبر ارسال دارد ولی ابن مشهدی به نقلش از محمد بن ابی قره یقین داشته است.

۳ - ابن مشهدی دعا را از کتاب مزار ابن ابی قره نقل کرده است، زیرا مطابق نقل صاحب ریاض ابن ابی قره کتابی به نام «مزار» داشته است.

توثیق ابن مشهدی

او از شاگردان احمد بن ادريس به شمار آمده و از او روایت نقل کرده است. و از آنجا که شیخ مفید از او روایت نقل کرده می توان او را از مشایخ شیخ مفید دانست.

درباره وثاقت وی باید گفت: هر چند پیرامون بزوفری در کتب رجال توثیق خاصی وارد نشده است، ولی از آنجا که از مشایخ روایی شیخ مفید بوده و در موارد زیادی برای وی رضا و رحمت خداوند را طلب کرده است، می توان بدون تردید گفت: قواعد توثیق عام، شامل حال وی می گردد.

دعای ندبه از کدامین امام است؟

ظاهر این است که این دعا از جانب امام صادق علیه السلام انشا شده است، همان گونه که مرحوم مجلسی به آن حضرت نسبت می دهد. و اما این که در برخی از

مصادر این گونه آمده که این دعا برای صاحب الزمان است، ممکن است این گونه توجیه کنیم که: این دعا، دعایی است که برای وجود مقدس امام زمان علیه السلام انشا شده است نه این که این دعا از طرف آن حضرت انشا شده باشد.

هرچند برخی خواسته اند احتمال اول را به خاطر ناسازگاری برخی از مضامین دعا، با صدور آن از جانب امام صادق علیه السلام مردود سازند، ولی برای اهل تحقیق روشن است که این اشکالات قابل توجیه است، زیرا نظیر چنین مضامینی در موارد دیگر از امام صادق علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام نیز نقل شده است.^(۱)

و نیز احتمال دارد که بزوفری از پدرش حسین بن علی بن سفیان که از علما و راویان بزرگ قرن چهارم که هم عصر و زمان غیبت صغرا بوده نقل کرده و او هم به وسیله نواب اربعه از راه مکاتبه و توقیع با امام زمان علیه السلام در ارتباط بوده و این دعا را در کتاب خود آورده و سپس به دست فرزندش ابوجعفر بزوفری رسیده است.

ممکن است برخی اشکال کنند که این دعا انشای برخی از علمای شیعه بوده است. ولی این احتمال از جهاتی باطل است:

۱ - بزوفری در ادامه روایت این چنین آورده است: «و یستحبُّ أن یدعی به فی الأعیاد الأربعة». ظاهر این کلمه می رساند که این دعا از جانب معصوم صادر شده است، زیرا محکوم کردن هر یک از افعال و اذکار به هر یک از احکام خمس (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) از امور توقیفی است که فقط باید از جانب اولیای معصوم خداوند صورت پذیرد.

ص: ۱۶

۲- این که برای قرائت این دعا زمان خاص (اعیاد اربعه) ذکر شده خود دلیل بر آن است که از جانب معصوم صادر شده است؛ زیرا در غیر این صورت نمی تواند از چنین ویژگی خاصی برخوردار باشد.

۳- رسم علما چنین بوده که هرگاه دعا یا زیارتی را خود انشا می کردند متذکر می شدند تا بر مردم مشتبه نگردد، از باب نمونه:

الف. شیخ صدوق در «من لایحضره الفقیه» زیارتی را برای فاطمه زهرا علیها السلام که از انشاهای خود اوست نقل کرده و می گوید: من آن را در سفر حج در مدینه در کنار قبر فاطمه زهرا علیها السلام قرائت کردم. ولی آن را به این صورت در اخبار نیافتم...» (۱).

ب. سید بن طاووس در «الاقبال» می گوید: «فصلی است درباره آنچه آن را ذکر می کنیم از دعایی که آن را انشا کردیم، آن را هنگام تناول طعام ذکر می کنیم» (۲).

ج. و نیز می فرماید: «و امّا آنچه هنگام رؤیت هلال شوال گفته می شود ما آن را در کتاب «عمل الشعر» در ضمن دعایی که انشا کردیم آوردیم، و این دعا صلاحیت برای تمام ماه ها را دارد...» (۳).

و در موارد دیگر نیز در مورد ادعیه ای که خود انشا کرده چنین تعبیراتی آورده است (۴).

ص: ۱۷

۱- ۱۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۷۲ - ۵۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۹۶، ح ۱۳.

۲- ۱۵. اقبال الاعمال، ص ۱۱۵.

۳- ۱۶. همان، ص ۳۰۵.

۴- ۱۷. مهج الدعوات، ص ۳۰۲ و ۳۳۶ و ۳۴۸؛ امان الأخطار، ص ۱۷.

۴ - ابن مشهدی در «المزار» می گوید: «من در این کتاب خود از فنون زیارات، اخباری را جمع کردم که به واسطه راویان ثقه و مورد اعتماد به سادات متصل شده اند».^(۱)

۵ - در صورتی که جمله «أَنَّ الدَّعَاءَ لِمَوْلَى الْأَمْرِ» را به معنای انشا از امام زمان علیه السلام بدانیم می توانیم آن را از توقیعات حضرت به بزوفری بدانیم.

ارتباط امام زمان علیه السلام با کوه رَضْوَى و ذی طوی

امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبرا مکان خاصی ندارد، نه در کوه رضوی مخفی است و نه در ذی طوی و نه در سرداب مقدس. آری برخی از فرقه های کیسانیه که منقرض شده اند معتقد بودند که محمّد بن حنفیه در کوه رَضْوَى مخفی است. پس چه ارتباطی با این دو کوه و امام زمان علیه السلام وجود دارد که در دعای ندبه به آن اشاره شده است؟

پاسخ: قبل از پاسخ اشکال باید بدانیم که رضوی و ذی طوی چه مکانی است؟

ذی طوی اسم مکانی است داخل حرم که حدود یک فرسخ تا مکه فاصله دارد، و از آنجا خانه های مکه پیداست.^(۲)

و رَضْوَى کوهی از کوه های مدینه منوره است در نزدیکی ینبع، که فاصله بین آن کوه تا مدینه چهل میل است. در مدح و فضیلت آن کوه روایاتی وارد شده است.

ص: ۱۸

۱- ۱۸. المزار، ص ۱۶.

۲- ۱۹. مجمع البحرین.

در جواب سؤال فوق می‌گوییم: آری ما معتقدیم که حضرت علیه السلام مکان معینی در عصر غیبت ندارد و روایات و ادعیه این مطلب را تأیید می‌کند، ولی این جمله به معنای آن نیست که حضرت در کوه رَضْوِی یا در منطقه ذی طوی مخفی است، بلکه معنایی کنایی دارد به این معنا که برای حضرت هیچ مکان معینی نیست، و لذا این جمله هیچ ارتباطی با عقیده کیسانیه ندارد.

و امّا این که چرا این دو مکان به طور خصوص در این دعا ذکر شده، به جهت تقدّس و تبرّک این دو مکان است، و ثابت شده که حضرت علیه السلام در این دو مکان زیاد تردّد داشته‌اند.

و ممکن است که در ذکر این منطقه اشاره به این نکته باشد که حتّی این دو موضع که مورد اهتمام کیسانیه است تحت تصرّف امام مهدی علیه السلام و محلّ تردّد آن حضرت است. و یا این که مقصود از ذی طوی مکه مکّرمه و رَضْوِی مدینه منوره باشد، آن گونه که در کتاب «اخبار مکه» اشاره شده است.

عدم تصریح به نام تمام امامان

گاهی گفته می‌شود چرا اسامی تمام امامان در این دعا ذکر نشده است؟

پاسخ: تصریح نشدن به اسامی و عدد دوازده امام از قوّت متن آن نمی‌کاهد. در عین حال گرچه تصریح به نام هر یک از آن‌ها نشده ولی به طور کلی و اجمالی به مصائبی که آن‌ها در راه هدایت خلق متحمّل شده‌اند اشاره کرده است. آنجا که می‌گوید: «لم یمثل أمر رسول الله صلی الله علیه وآله فی الهادین بعد الهادین...» یا آنجا که می‌فرماید: «فقتل من قتل وسُبی من سُبی وأُقصی من أُقصی».

این عبارات اشاره به مصائبی دارد که هر یک از امامان در راه هدایت خلق متحمل شده اند.

و نیز در جایی دیگر می فرماید: «أین الحسن أین الحسین، أین أبناء الحسین...».

مخالفت با معراج جسمانی

برخی می گویند: جمله «وعرجت بروحه إلی سمآئک» که در دعای ندبه آمده مخالف با اجماع و آیات و روایاتی است که دلالت بر معراج جسمانی دارد، لذا از این جهت درصدد برآمده اند تا در انتساب این دعا به امام خدشه وارد کنند.

پاسخ: صحیح در این جمله: «عرجت به إلی سمآئک» است نه «بروحه» و لذا دلالت بر معراج روحانی ندارد. شاهد این مطلب چند قرینه است:

۱ - محدث نوری رحمه الله در کتاب «تحیة الزائر» می گوید: در نسخه ای که من از مزار محمد بن مشهدی دارم: «عرجت به إلی سمآئک» ثبت شده است. (۱)

۲ - شیخ عباس قمی رحمه الله نیز در کتاب «هدیه الزائر» عبارت استاد خود حاجی نوری را نقل کرده و آن را تأیید نموده است.

۳ - الآن نیز نسخه ای خطی و نفیس از کتاب مزار محمد بن مشهدی موجود است که در آن «وعرجت به» ثبت شده است.

۴ - جمله های دیگر در دعا نیز مؤید معراج جسمانی است از قبیل: «وأوطأته مشارقک ومغاربک» و «سخرت له البراق».

ص: ۲۰

۵- بر فرض صحّت نسخه «وعرجت بروحه» این جمله دلالت بر معاد روحانی فقط ندارد، از باب استخدام لفظ موضوع برای جزء و اراده کلّ، مقصود معراج جسمانی و روحانی است. از قبیل این که گفته می شود: «روحي لك الفداء». مرحوم حاج میرزا ابوالفضل تهرانی می گوید: «گاهی کلمه روح را در معنای جسم با روح به کار می برند به جهت ارتباط بین حالّ و محلّ یا علاقه ملابست که بین آن دو است...» (۱).

تألیفات درباره دعای ندبه

دانشمندان و محققان این دعای شریف را مورد توجه خود قرار داده و بر آن شروح و حواشی نوشته اند. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱- «شرح دعای ندبه» از صدرالدین محمد حسنی مدرس یزدی.

۲- «عقد الجمان لندبه صاحب الزمان» از میرزا عبدالرحیم تبریزی.

۳- «وسيله القربه فی شرح دعاء الندبه» از شیخ علی خوئی.

۴- «شرح دعای ندبه» از ملا حسن تربتی سبزواری.

۵- «النخبه فی شرح دعاء الندبه» از سید محمود مرعشی.

۶- «شرح یا ترجمه دعای ندبه» از سردار کابلی.

۷- «معالم القربه فی شرح دعاء الندبه» از محدث ارموی.

۸- «وظائف الشیعه فی شرح دعاء الندبه» از ادیب اصفهانی.

۹- «کشف الکربه» از محدث ارموی.

ص: ۲۱

۱- ۲۱. شفاء الصدور فی شرح زیاره العاشور، ص ۱۰۸.

- ۱۰ - «نوید بامداد پیروزی» از موسوی خرم آبادی.
- ۱۱ - «شرح و ترجمه دعای ندبه» از محبّ الاسلام.
- ۱۲ - «نصره المسلمین» از عبدالرضا خان ابراهیمی.
- ۱۳ - «فروغ الولاية» از آیت الله صافی.
- ۱۴ - «الكلمات النخبه» از عطایی اصفهانی.
- ۱۵ - «رساله حول دعاء الندبه» از محمد تقی تستری.
- ۱۶ - «رساله حول دعاء الندبه» از میرجهانی اصفهانی.
- ۱۷ - «سند دعاء الندبه» از سید یاسین الموسوی.
- ۱۸ - «شرحی بر دعای ندبه» از علوی طالقانی.
- و دیگر شروح و رساله ها در رابطه با دعای ندبه.

دعاهای دیگر در عصر غیبت

ادعیه درباره امام زمان علیه السلام بسیار است، که می توان به برخی از آن ها فهرست وار اشاره نمود:

۱ - دعایی از امام صادق علیه السلام. (۱)

۲ - دعای غریق. (۲)

۳ - دعای بعد از هر فریضه در ماه رمضان.

۴ - دعای عهد صغیر. (۳)

ص: ۲۲

۱- ۲۲. کمال الدین، ص ۳۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶، ح ۷۰.

۲- ۲۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۸، ح ۲۳.

۳- ۲۴. همان، ج ۸۶، ص ۶۱.

۵ - دعای عهد. (۱)

۶ - دعا بعد از نماز ظهر. (۲)

۷ - دعا بعد از نماز عصر. (۳)

۸ - دعای شب نیمه شعبان. (۴)

مکان های سفارش شده برای دعا در عصر غیبت

مطابق روایات در برخی از مکان های مقدس سفارش خاص به جهت دعا برای امام زمان علیه السلام شده است، از آن جمله:

۱ - مسجد الحرام. (۵)

۲ - سرداب مقدس.

۳ - مقامات منسوب به حضرت از قبیل مسجد کوفه، مسجد سهله، مسجد صعصعه و مسجد جمکران.

۴ - حرم امام حسین علیه السلام. (۶)

۵ - حرم امام رضا علیه السلام. (۷)

۶ - حرم عسکرین علیهما السلام در سامرا. (۸)

۷ - حرم هریک از امامان به طور عموم. (۹)

۸ - عرفات در محل وقوف. (۱۰)

ص: ۲۳

۱- ۲۵. البلد الامین، ص ۸۲.

۲- ۲۶. همان، ص ۱۳.

۳- ۲۷. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۷، ح ۱۸.

۴- ۲۸. مفاتیح الجنان، ص ۱۶۶.

۵- ۲۹. کمال الدین، ص ۴۴۰.

۶- ۳۰. کامل الزیارات، ص ۲۳۰، ح ۱۷.

۷- ۳۱. همان، ص ۳۳۱.

٨-٣٢. همان، ص ٣١٣.

٩-٣٣. همان، ص ٣١٥.

١٠-٣٤. زاد المعاد.

توسل، وسیله و واسطه قرار دادن چیزی بین خود و مطلوب است. وسیله بر دو نوع است: گاهی از امور مادی است، مثل آب و غذا که وسیله رفع تشنگی و گرسنگی است. و زمانی نیز از امور معنوی است، مثل گناه کاری که خدا را به مقام و جاه یا حقیقت پیامبر صلی الله علیه و آله قسم می دهد تا از گناهِش بگذرد. در هر دو صورت وسیله لازم است؛ زیرا خداوند متعال جهان آفرینش را به بهترین صورت آفریده است، آنجا که می فرماید: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»؛ (۱) «آن خدایی که همه چیز را به بهترین صورت آفرید.»

جهان براساس نظم علت و معلول و اسباب و مسببات، برای هدایت و رشد و تکامل انسان ها آفریده شده است و نیازمندی های طبیعی بشر با عوامل و اسباب عادی برآورده می گردد. فیوضات معنوی خداوند همچون هدایت، مغفرت و آمرزش نیز براساس نظامی خاص بر انسان ها نازل می شود و اراده حکیمانه خداوند بر این تعلق گرفته که امور از طریق اسباب خاص و علل معین به انسان ها برسد.

بنابراین، همان گونه که در عالم ماده نمی توان پرسید: چرا خداوند متعال زمین را با خورشید نورانی کرده و خود بی واسطه به چنین کاری دست نزده است؟ در عالم معنا نیز نمی توان گفت: چرا خداوند مغفرت خویش را به واسطه اولیای الهی شامل حال بندگان می کند.

ص: ۲۴

شهید مطهری رحمه الله می فرماید: «فعل خداوند دارای نظام است. اگر کسی بخواهد به نظام آفرینش اعتنا نداشته باشد گمراه است. به همین جهت است که خدای متعال گناه کاران را ارشاد فرموده است که در خانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بروند و علاوه بر این که خود طلب مغفرت کنند، از آن بزرگوار بخواهند که برای ایشان طلب مغفرت کند. قرآن کریم می فرماید: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»؛^(۱) «اگر ایشان هنگامی که [با ارتکاب گناه به خود ستم کردند، نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر هم برای ایشان طلب مغفرت می کرد، خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.»^(۲)

از همین رو می بینیم که در قرآن و سنت تأکید فراوانی بر وسیله و توسل شده است. خداوند متعال می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ »؛^(۳) «ای مؤمنین! تقوا پیشه کنید و برای رسیدن به او وسیله طلب نمایید.»

اثر و فایده دیگری که در توسل به اولیای الهی خصوصاً ذوات مقدسه اهل بیت علیهم السلام است این که مردم به جهت دریافت فیوضات الهی به واسطه آنان، نه تنها به مقام شامخ آن ها از نبوت یا امامت یقین حاصل می کنند، بلکه از باب این که «الانسان عبيد الاحسان» فرمان بردار دستورات آن ها که همان دستورات خداوند است می شوند.

ص: ۲۵

۱- ۳۶. سوره نساء، آیه ۶۴.

۲- ۳۷. مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۶۴.

۳- ۳۸. سوره مائده، آیه ۳۵.

نهی از عجله

در روایات فراوان به مسأله دعا برای تعجیل فرج حضرت مهدی علیه السلام اشاره شده است و در برخی روایات دیگر از عجله کردن و استعجال نهی شده است. از جمله: «هلک المستعجلون»؛ «کسانی که عجله کردند هلاک شدند.» ممکن است کسی بگوید بین این دو دسته روایات اختلاف و تنافی وجود دارد؟ ولی در جواب می‌گوییم: خیر؛ زیرا:

اولاً: استعجال در ظهور، اصرار زیاد بر فرج حضرت بدون تمهید مقدمات و شرایط و زمینه هاست، ولی دعا برای ظهور حضرت، با تمهید مقدمات و شروط است.

ثانیاً: نفس دعا برای تعجیل فرج در ظهور حضرت تأثیر به‌سزایی دارد، به این معنا که خود دعا می‌تواند به منزله جزء علت تامه در تسریع ظهور تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

دعای عهد

مطابق روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آمده است که: «هر کس چهل صبح دعای عهد را بخواند از یاوران «قائم» ما باشد، و اگر پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند او را از قبر بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد...» (۱).

در مورد سؤال فوق می‌گوییم:

ص: ۲۶

اولاً: این آثار ممکن است مقیّد باشد به این که اعمال و رفتار دیگر نیز درست و مطابق موازین شرع باشد، زیرا انسان باید با حقیقت این دعا انس داشته باشد تا بتواند با خدای خود عهد کند.

ثانیاً: ممکن است که خواندن دعای عهد گرچه از شخصی باشد که انسان بدی است ولی خداوند متعال به برکت این دعا او را متحوّل می گرداند و با خواندن این دعا در چهل روز و عهد قلبی با حضرت مهدی علیه السلام چنان تحوّل اساسی در وجود او ایجاد شود که به این قابلیت برسد که بتواند از اصحاب حضرت شود.

ولایت تکوینی امام زمان «علیه السلام»

اشاره

ص: ۲۹

از جمله مباحثی که بین متکلمان مطرح بوده و هست، ولایت تکوینی امام است. ولایت چیست و ولایت تکوینی چه معنایی دارد؟ آیا کسان دیگری غیر از انبیا ولایت تکوینی یعنی حقّ تصرّف در نظام تکوین را دارند؟ در این جا به توضیح و شرح این موضوع می پردازیم.

تعریف ولایت

فیومی می گوید: «وَلِيٌّ مِثْلُ فُلَسٍّ بِمَعْنَى قَرَبٍ اسْتِ وَوَلَايَةٍ بِمَعْنَى كَسْرِهِ وَفَتْحِهِ وَ«وَاوٍ» بِمَعْنَى نَصْرَتِهِ اسْتِ.»^(۱)

جوهری می گوید: «وَلِيٌّ بِمَعْنَى قَرَبٍ وَتَقَرُّبٍ اسْتِ... وَهَرَكْسٍ اَمْرٍ شَخْصِيٍّ رَا مَتَكَفَّلَ شُوْدُ وَازْ عَهْدَهُ اَنْ يَّرْ اَيِّدًا، وَوَلِيٌّ اَوْ خَوَاهِدُ بُوْد... وَوَلَايَةٍ بَا كَسْرِهِ «وَاوٍ» بِمَعْنَى سُلْطَانٍ وَنِيْزَ بَا كَسْرِهِ وَفَتْحِهِ «وَاوٍ» بِمَعْنَى نَصْرَتِهِ اَمْدَهُ اسْتِ.»^(۲)

در اقرب الموارد آمده است: «الولي حصول الثانی بعد الأوّل من غیر فصل؛ ولی عبارت است از قرار گرفتن فرد یا شیء دوم به دنبال فرد یا شیء اول بدون فاصله. وَلِيَ الشیء وعلیه ولایه و ولایه: یعنی مالک امر آن شده و بر آن

ص: ۳۰

۱- ۴۰. مصباح المنیر، ماده ولی.

۲- ۴۱. صحاح اللغه، ماده ولی.

قیام کرد. یا آن که ولایت با فتح و کسر - هر دو - به معنای امارت و سلطنت است....»^(۱)

راغب اصفهانی می گوید: «الْوَلَاءُ وَالتَّوَالِي أَنْ يَحْصُلَ شَيْئَانِ فَصَاعِدًا حُصُولًا لَيْسَ بَيْنَهُمَا مَا لَيْسَ مِنْهُمَا»؛ «ولاء و توالی به معنای آن است که دو چیز و یا بیشتر از آن، طوری قرار گیرند و واقع شوند که بین آن دو، غیر از خود آن ها، چیز دیگری نبوده باشد.»^(۲)

علامه طباطبایی رحمه الله در معنای اصطلاحی «ولایت» می فرماید: «ولایت، آخرین درجه کمال انسان است و آخرین منظور و مقصود از تشریح شریعت حقّ خداوندی است.»^(۳)

همو در تفسیر المیزان می گوید: «اصل معنای ولایت برداشته شدن واسطه ای است که بین دو چیز حائل شده باشد، به طوری که بین آن دو، غیر از آن ها واسطه ای باقی نماند و سپس برای نزدیکی چیزی به چیز دیگر به چند صورت، به کار گرفته شده است: قرب نسبی، مکانی، منزلتی، صداقت و غیر این ها. به همین مناسبت بر هر یک از دو طرف ولایت، ولی گفته می شود؛ بالأخصّ به جهت آن که هر یک از آن دو نسبت به دیگری دارای حالتی است که غیر آن ندارد. بنابراین خداوند سبحان ولی بنده مؤمن خود است؛ امورش را زیر نظر دارد و شئون وی را تدبیر می کند، او را در صراط مستقیم هدایت می نماید، امور وی را در عهده دار و او را در دنیا و آخرت یاری می کند.

ص: ۳۱

۱- ۴۲. اقرب الموارد، ماده ولی.

۲- ۴۳. مفردات راغب، ماده ولی.

۳- ۴۴. مفردات راغب، ماده ولی.

مؤمن حقیقی و واقعی نیز ولیّ پروردگار است، زیرا خود را اوامر و نواهی خداوند تحت ولایت او در می آورد؛ همچنین در تمامی برکت های معنوی: هدایت، توفیق، تأیید، تسدید و آنچه در پی دارد، از مکرم شدن به بهشت و مقام رضوان خداوند، تحت ولایت و پذیرش خداوند خود است...» (۱).

معنای ولایت تکوینی

مقصود از ولایت تکوینی این است که فردی بر اثر پیمودن راه بندگی آن چنان کمال و قرب معنوی پیدا کند که به فرمان و اذن الهی بتواند در جهان و انسان تصرف کند.

«ولایت تکوینی» یک کمال روحی و معنوی است که در سایه عمل به نوامیس خدایی و قوانین شرع در درون انسان پدید می آید و سرچشمه مجموعه ای از کارهای خارق العاده می گردد. این نوع ولایت بر خلاف «ولایت تشریحی» کمال و واقعیتی است اکتسابی و راه کسب برخی از مراتب آن به روی همه باز است، ولی مقاماتی که در «ولایت تشریحی» بیان گردیده همگی موهبت خداوندی است که پس از تحصیل یک سلسله زمینه ها، چیزی جز خواست خداوند در آن دخالت ندارد.

توجه به باطن

انسان از دو جز به نام تن و روان آفریده شده است؛ به عبارت دیگر،

ص: ۳۲

انسانیتِ انسان، منحصر به جسم و تن نیست، بلکه باطن و جانی دارد که واقعیت او را تشکیل می دهد و اگر بر سر راه تکامل انسان، از نظر جسم و ماده محدودیت هایی وجود دارد، سر راه تکاملش از نظر روح و معنا چنین محدودیتی نیست، بلکه او از این نظر آمادگی بیشتری برای ترقی و تعالی دارد؛ چه بسا در پرتو اطاعت خدا و پیمودن راه حق می تواند قلّه های بس بلندی را پیموده و تسخیر کند. هرگاه انسان از شدت توجه اش به امور مادی و لذایذ جسمانی بکاهد و به درون گرایی و باطن نگری بپردازد، در این موقع می تواند نیروهای نهفته باطنی خویش را آشکار سازد و بر قدرت و توانایی اش بیفزاید.

اثر بندگی خدا

از نظر آیین اسلام انسان دو نوع زندگی دارد: ظاهری و معنوی «حیات ظاهری» همان زندگی حیوانی است که تمام بشر را در بر می گیرد و اسلام برای جلوگیری از هر نوع افراط و تفریط، برنامه خاصی برای این نوع زندگی تنظیم کرده است. برنامه اسلام، علاوه بر این که بهزیستی انسان را در جهان ماده فراهم می سازد، راه را برای تحقق حیات معنوی نیز هموار می کند.

«حیات معنوی» از اعمال و نیت های انسان سرچشمه می گیرد و چنین حیاتی، سعادت و خوش بختی یا شقاوت و بدبختی را در پی دارد. بنابراین، حرکات و رفتار و کردار بشر، سازنده حیات معنوی و پدید آورنده قدرت روحی است که نتیجه آن سعادت و تعالی انسان و یا شقاوت و بدبختی او است.

در پس پرده زندگی ظاهری، واقعیتی زنده و حیاتی معنوی نهفته که

سرچشمه تمام خوش بختی‌ها می‌باشد و آن، «ولایت» است که در افراد انسان به طور متفاوت پدید می‌آید و مبدأ یک سلسله آثار شگرف می‌گردد. «اطاعتِ خدا» مایه «قرب الهی» و مخالفت با دستورهایش سبب دوری از او می‌شود.

قرب الهی

مقصود از قرب و تقرب الهی، نزدیکی از نظر مکان نیست، زیرا خداوند جهان جسم و جسمانی نبوده و دارای مکان نیست؛ تا بنده ای از نظر مکان به او نزدیک تر گردد. اما در عین حال او به ما، از خود ما نزدیک تر است؛

همان گونه که خداوند می‌فرماید: «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»؛ (۱) «ما از رگ گردن به او نزدیک‌تریم».

ممکن است سؤال شود: اگر خدا مکان ندارد و چنین تقرب می‌ممکن نیست، پس مقصود از قرب الهی و نزدیکی بنده به خدا چیست؟

در پاسخ باید گفت: خداوند جهان، کمال مطلق و نامحدود است و پویندگان راه عبودیت و بندگی در پرتو کمالاتی که از این راه به دست می‌آورند، سرانجام حائز کمال می‌شوند و از دیگران، که فاقد این نوع کمال‌اند، مقرب‌تر و نزدیک‌تر به خدای تعالی می‌گردند.

در جهان آفرینش هر کسی به تناسب کمال وجود خویش، قریبی به ذات پروردگار دارد پس هر فردی که از نظر وجود کامل تر باشد به ذات الهی که کمال محض و نامتناهی است، مقرب‌تر و نزدیک‌تر خواهد بود.

ص: ۳۴

وقتی می‌گوییم: خداوند کمال مطلق و نامتناهی است، مقصود از آن، صفات جمال خدا از قبیل: علم، قدرت، حیات و اراده است. هرگاه بنده ای در پرتو پیمودن راه اطاعت، گام در درجات کمال می‌گذارد و از نردبان کمال بالا می‌رود، مقصود این است که کمال وجودی بیشتر، علم و قدرتی زیادتر، اراده ای نافذتر و حیاتی جاودانه تر یافته است. در این صورت می‌تواند از فرشته بالاتر رفته و از کمالات بشری بهره مند گردد.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی به مقامات بلند سالکان راه حق و پویندگان راه عبودیت و بندگی اشاره نموده، سخن پروردگار را چنین نقل می‌فرماید: «ما تقرب إلى عبد بشيء أحب إلى مما افترضت عليه وإنه ليتقرب إلى بالنافله حتى أحبه، فإذا أحببته كنت سمعه الذي يسمع به وبصره الذي ينطق به ويده التي يبطش بها، إن دعاني أجبتة، وإن سألتني أعطيتة»^(۱)؛ «هیچ بنده ای با کاری به من تقرب نجسته که محبوب تر از انجام فرایض بوده باشد. بنده من با بجای آوردن نمازهای نافله آن چنان به من نزدیک می‌شود که او را دوست می‌دارم. وقتی او محبوب من گردد، من گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود. و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند. و زبان او می‌گردم که با آن سخن می‌گوید. و دست او می‌شوم که با آن حمله می‌کند. هرگاه مرا بخواند اجابت می‌کنم و اگر چیزی از من بخواهد می‌بخشم».

در سایه اطاعت از خدا قدرت درونی انسان به حدی می‌رسد که با قدرت الهی صداهایی را می‌شنود که با نیروی عادی قادر به شنیدن آن نیست. صور

ص: ۳۵

و اشباحی را می بیند که دیدگان عادی را یارای دیدن آن ها نیست. مقصود از این که خداوند چشم و گوش او می گردد، آن است که دیده اش در پرتو قدرت الهی نافذتر و گوشش شنواتر و قدرتش گسترده می گردد.

در مصباح الشریعه آمده است: «العبودية جوهره كنهها الربوبية(۱)»؛ «بندگی و پیمودن راه قرب به خدا، گوهری است که نتیجه آن خداوندگاری و کسب قدرت و توانایی بیشتر است.»

در این جمله مقصود از «ربوبیت» خدایی کردن نیست، زیرا هیچ گاه بشر نمی تواند از حدود امکانی تجاوز کند، بلکه مقصود از «خداوندگاری» کسب کمالات بیشتر و قدرت و نیروهای بالاتر است.

آثار قرب الهی

قرب الهی آثار فراوانی دارد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - تسلط بر نفس

خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»(۲)؛ «نماز انسان را از بدی ها و منکرها باز می دارد».

و نیز می فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»(۳) «روزه را بر شما بسان پیشینیان واجب کردیم تا پرهیزگار شوید».

ص: ۳۶

۱- ۴۸. مصباح الشریعه، حدیث اول.

۲- ۴۹. سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

۳- ۵۰. سوره بقره، آیه ۱۸۳.

از مزایای قرب الهی این است که انسان در سایه صفا و روشنایی دل، بینش خاصی پیدا می کند که با آن حق و باطل را به روشنی تشخیص می دهد و هرگز گمراه نمی شود. قرآن می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»؛ (۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر پرهیزکار باشید خدا به شما نیرویی می بخشد که با آن، حق و باطل را به خوبی تشخیص می دهید».

مقصود از «فرقان» بینش خاصی است که سبب می گردد انسان حق و باطل را خوب بشناسد.

در آیه دیگر می فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛ (۲) «کسانی که در راه ما سعی و کوشش کنند، آنان را به راه های خویش رهبری می کنیم».

و نیز می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ»؛ (۳) «ای کسانی که ایمان آورده اید! از مخالفت با خدا پرهیزید و به پیامبر او ایمان بیاورید. [خداوند] دو سهم از رحمت خویش را به شما می دهد و برای شما نوری قرار می دهد که با آن راه بروید».

پویندگان راه عبودیت به واسطه تکامل و قدرتی که در سایه بندگی می یابند بر تمام اندیشه های پراکنده خود مسلط می شوند و در حال عبادت آن چنان

۱- ۵۱. انفال {۸} آیه ۲۹.

۲- ۵۲. عنکبوت {۲۹} آیه ۶۹.

۳- ۵۳. حدید {۵۷} آیه ۲۸.

تمرکز فکری و حضور قلب دارند که از غیر خدا غافل می شوند و غرق جمال و کمال خدا می گردند.

ابوعلی سینا می گوید: «عبادت، نوعی ورزش برای قوای فکری است که بر اثر تکرار و عادت به حضور در محضر خدا، فکر را از توجه به مسائلی مربوط به طبیعت و ماده به سوی تصورات ملکوتی می کشاند. قوای فکری تسلیم باطن و فطرت خداجوی انسان می گردد و مطیع او می شوند.»^(۱)

۴ - خلع نفس

در جهان طبیعت، روح و بدن به یکدیگر نیازی شدید دارند. از آن جا که روح بر بدن علاقه تدبیری دارد، بدن را از فساد و خرابی باز می دارد. از طرف دیگر، روح در فعالیت خود به بدن نیازمند است و در پرتو اعضا و جوارح بدنی می تواند بشنود، ببیند و...

اما گاهی روح، بر اثر کمال و قدرتی که از جانب قرب الهی پیدا می کند، از استخدام بدن بی نیاز می شود و می تواند خود را از بدن «خلع» کند.

۵ - تصرف در جهان طبیعت

در پرتو عبادت و قرب الهی، نه تنها حوزه بدن تحت فرمان انسان قرار می گیرد، بلکه جهان طبیعت مطیع انسان می گردد و به اذن پروردگار جهان در پرتو نیرو و قدرتی که از تقرب به خدا کسب نموده است، در طبیعت تصرف می کند و مبدأ یک سلسله معجزه ها و کرامات می شود و در حقیقت، قدرت بر تصرف و تسلط بر تکوین می یابد.

ص: ۳۸

با مراجعه به قرآن می توان شواهدی بر ولایت تکوینی اولیا اقامه نمود:

۱ - خداوند متعال از قول حضرت یوسف علیه السلام خطاب به برادرانش نقل می کند: «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْتَقُوهُ عَلَيَّ وَجْهَ أَبِي يَأْتِ بِصِيرًا»؛ (۱) «بروید و پیراهنم را بر چهره پدرم بینکنید تا او نعمت بینایی خود را بازیابد».

در آیه دیگر می فرماید: «فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَيَّ وَجْهَهُ فَازْتَدَّ بِصِيرًا»؛ (۲) «هنگامی که مژده رسان آمد و پیراهن یوسف را بر صورت وی افکند، او بینایی خود را باز یافت».

از این آیه استفاده می شود که اراده و خواست و قدرت روحی حضرت یوسف علیه السلام در بازگردانیدن بینایی پدر خویش، مؤثر بوده است.

۲ - خداوند متعال می فرماید: «وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ»؛ (۳) «به یاد آر هنگامی را که موسی برای قوم خود آب طلبید ما به او دستور دادیم عصای خود را بر سنگی زند، ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون آمد همه بنی اسرائیل آبشخور خود را دانستند».

۳ - می دانیم که حضرت سلیمان، ملکه سبا را احضار نمود، ولی پیش از آن که وی به حضور سلیمان برسد، سلیمان در مجلس خود به حاضران فرمود: «يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ»؛ (۴) «ای

ص: ۳۹

۱- ۵۵. سوره یوسف، آیه ۹۳.

۲- ۵۶. همان، آیه ۹۶.

۳- ۵۷. بقره {۲} آیه ۶۰.

۴- ۵۸. نمل {۲۷} آیه ۳۸.

جمعیت! کدام یک از شما می تواند تخت بلقیس را برای من بیاورد پیش از آن که [بلقیس و همراهان مطیعانه وارد شوند؟] یک نفر از حاضران در مجلس گفت: «أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ» (۱)؛ «پیش از آن که تو از جای خود برخیزی من آن را می آورم و من بر این کار توانا و امینم».

فرد دیگری به نام «آصف بن برخیا» اعلام کرد که در یک چشم به هم زدن می تواند آن را بیاورد؛ چنان که خداوند می فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي» (۲)؛ «کسی که نزد او دانشی از کتاب بود چنین گفت: پیش از آن که تو چشم بر هم بزنی، من آن را در این مجلس حاضر می کنم. ناگهان سلیمان تخت را در برابر خود حاضر دید و گفت: این نعمتی است از جانب خدا بر من».

۴ - قرآن مجید بعضی از کارهای فوق العاده را به حضرت مسیح علیه السلام نسبت می دهد و این می رساند که همه آن کارها از نیروی باطنی و اراده خلاق او سرچشمه می گرفته است؛ چنان که می فرماید: «أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِي الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ (۳) «من برای شما از گل شکل مرغی می سازم و در آن می دمم که به اذن خدا پرنده می شود. کور مادرزاد و پستی را شفا می دهم و مردگان را به اذن خدا زنده می کنم».

ص: ۴۰

۱- ۵۹. همان، آیه ۳۹.

۲- ۶۰. همان، آیه ۴۰.

۳- ۶۱. آل عمران {۳} آیه ۴۹.

۵- قرآن کریم در مورد یکی از معجزات و تصرفات تکوینی حضرت محمدصلی الله علیه وآله می فرماید: «اَقْتَرَبَتِ السَّيَّعَةُ وَالنَّشَقُ الْقَمَرُ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ»؛ (۱) «نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه و هر گاه نشانه ای بینند روی بگردانند و گویند: سحری دائمی است».

بسیاری از مفسران در بیان شأن نزول آیات فوق آورده اند: روزی مشرکان به پیامبرصلی الله علیه وآله گفتند: اگر در ادعای خود راست گویی، ماه را برای ما دو نیم کن. رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: آیا اگر این کار را انجام دهم، ایمان می آورید؟ گفتند: آری. پیامبرصلی الله علیه وآله از خدا درخواست کرد تا خواسته شان را به او عطا کند. سپس ماه به دو نیم شد. (۲)

حق این است که معجزه فعل ولی خدا است که به اذن و مشیت خداوند انجام می گیرد.

بنابراین، مقصود از «اَنْشَقَّ الْقَمَرُ» در آیه نخست، معجزه و تصرف تکوینی پیامبرصلی الله علیه وآله در انشقاق (دو نیم شدن) ماه است.

شاید چنین پنداریم که انشقاق ماه در این آیات، به دو نیم شدن آن در روز رستاخیز اشاره دارد، ولی قرآینی وجود دارد که برداشت اول را تأیید می کند:

الف) عبارت «وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا» حاکی از آن است که در این جا مقصود از آیه، آیات قرآنی نیست، بلکه مقصود از آن معجزه است، زیرا قرآن از معجزات پیامبران با الفاظی، همچون: «آیه» و «بینه» یاد می کند. مناسب بود که در شکل اول، به جای فعل دیدن «يروا» از افعالی، همچون: شنیدن یا

ص: ۴۱

۱- ۶۲. سوره قمر، آیات ۱ و ۲.

۲- ۶۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۲۳۷.

نزول استفاده شود؛ مثلاً گفته می‌شد: «وان سمعوا» یا «وان نزلت آیه»؛ بنابراین، مقصود از آیه، اعجاز پیامبر صلی الله علیه و آله و انشقاق ماه است.

ب) عبارت «وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ» نیز، قرینه‌ای بر این معناست که سخن در این آیات راجع به معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله است، نه انشقاق ماه در رستاخیز، زیرا در روز قیامت که پهنه ظهور تمام حقایق است کسی سخن باطلی بر زبان نمی‌راند، در حالی که سحر خواندن آیات الهی سخن باطلی است.

حاصل آن که با توجه به قراین یاد شده از یک سو و شأن نزول آیات از سوی دیگر، آیات نخستین سوره قمر به یکی از معجزات و تصرفات تکوینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که دو نیم کردن ماه و ناشی از ولایت تکوینی او است، اشاره دارد.

ولایت تکوینی امام زمان علیه السلام

ولایت تکوینی امام زمان علیه السلام و سایر امامان را با ذکر چند مقدمه می‌توان به اثبات رسانید:

مقدمه اول

گفتیم که حضرت سلیمان به حاضران در مجلس خود گفت: کدام یک از شما می‌تواند تخت بلقیس را برای من بیاورد، پیش از آن که بلقیس و همراهان او مطیعانه وارد شوند... آصف بن برخیا اعلام کرد که در یک چشم بر هم زدن می‌تواند آن را بیاورد؛ خداوند متعال در مورد این داستان می‌فرماید: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ

ص: ۴۲

إِلَيْكَ طَرُفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي»؛^(۱) کسی که مقداری از علم کتاب داشت، توانست در نظام تکوین تصرف کرده و تاج و تخت بلقیس ملکه سبا را از راه بسیار دور کمتر از یک چشم به هم زدن نزد سلیمان حاضر کند.

از این آیه به خوبی استفاده می شود اگر کسی از کتاب خدا اطلاع داشته و به آن عالم باشد، قدرت تصرف در کائنات را دارد که همان ولایت تکوینی است.

مقدمه دوم

در آیه ای دیگر می خوانیم: «قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»؛^(۲) «بگو تنها گواه بین من و شما، خدا و کسی که دانای حقیقی به کتاب خدا است کافی خواهد بود».

از این آیه استفاده می شود خداوند متعال و گروهی دیگر که عالم به کل کتاب اند بین پیامبر و مردم شاهد بوده و شهادت خواهند داد. همچنین بر می آید جماعتی هستند که عالم به کل کتاب اند، زیرا از طرفی لفظ «مَنْ» از موصولات است و لذا دلالت بر عموم دارد. از طرف دیگر «علم» مصدر است و در علم اصول فقه بیان شده که مصدر مضاف مفید عموم است. همچنین طبق نظر برخی مفرد محلی به الف و لام نیز دلالت بر عموم دارد، پس از چند جهت «علم الكتاب» دلالت بر عموم دارد. در نتیجه این که از این جمله استفاده می شود که جماعتی هستند که از کل کتاب آگاهی داشته و بدان عالمند.

ص: ۴۳

۱- ۶۴. نمل {۲۷} آیه ۴۰.

۲- ۶۵. رعد {۱۳} آیه ۴۳.

در قرآن کریم می خوانیم: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ* فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ* لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛^(۱) «همانا آن قرآن کریمی است که در کتاب محفوظی جای دارد. و جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند».

در «لا- یمسه» دو احتمال است: یکی مسّ ظاهری با اجزای بدن و دیگری، مسّ باطنی. همان گونه که در «مطهرون» نیز دو احتمال است: یکی طهارت ظاهری با اجزای بدن و دیگری، طهارت باطنی با قلب.

با مراجعه به قرآن پی می بریم که خداوند متعال لفظ مسّ را در هر دو معنا به کار برده است.

الف) مسّ ظاهری: خداوند متعال می فرماید: «قَالَتْ رَبِّ اُنِّیْ یَکُونُ لِیْ وَلَدٌ وَلَمْ یَمَسَّ سِیْنِیْ بِبَشَرٍ»؛^(۲) «مریم عرض کرد: خدایا مرا چگونه فرزندی تواند بود و حال آن که مردی به من نزدیک نشده است».

ب) مسّ باطنی: خداوند متعال می فرماید: «إِنَّ الَّذِیْنَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّیْطَانِ تَذَكَّرُوا»؛^(۳) «چون پرهیزکاران را از شیطان وسوسه و خیالی به دل رسد، همان دم خدا را به یاد آرند».

همچنین طهارت نیز در قرآن به دو معنا به کار رفته است: ظاهری و باطنی.

الف) طهارت ظاهری: «وَتِیَابَکَ فَطَهِّرْ»؛^(۴) «ولباست را پاک گردان».

۱- ۶۶. واقعه {۵۶} آیات ۷۷ - ۷۹.

۲- ۶۷. آل عمران {۳} آیه ۴۷.

۳- ۶۸. اعراف {۷} آیه ۲۰۱.

۴- ۶۹. سوره مدثر، آیه ۴.

ب) طهارت باطنی: «یا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصِطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (۱)؛ «ای مریم همانا خداوند تو را برگزیده و پاکیزه گردانید و بر زنان جهانیان برتری بخشید».

در مورد آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» در «لا-یمسه» دو احتمال وجود دارد، نهی بودن و نفی بودن که هر دو به یک صیغه ادا می شود.

نهی به این معنا است که قرآن را نباید مس کند، که ظهور در مس ظاهری دارد و در مقابل آن، مقصود به طهارت نیز ظاهری است. و اگر مقصود «نفی» باشد، اخبار است و ظهور در مس باطنی دارد به این معنا که مس نمی کند و تماس حاصل نمی کند و به تعبیر دیگر، به عمق قرآن نمی رسند، مگر کسانی که مطهرند و طبیعتاً طهارت نیز باطنی معنا می شود؛ یعنی کسانی که از هر عیب و نقص و گناهی پاک اند. در نتیجه معنای آیه این می شود: «مس نمی کند کتاب محفوظ را مگر کسانی که مطهرند.» به نظر فخر رازی ظهور آیه در مس باطن است.

مقدمه چهارم

در این که مطهران چه کسانی اند؟ باز به قرآن مراجعه می کنیم؛ خداوند متعال می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (۲)؛ «همانا خدا چنین می خواهد که هر رجس و پلیدی را از شما خانواده نبوت دور سازد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند».

در این آیه شریفه، مصداق مطهران مشخص و معین شده است؛ آنان کسانی جز اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نیستند.

ص: ۴۵

۱- ۷۰. آل عمران {۳} آیه ۴۲.

۲- ۷۱. احزاب {۳۳} آیه ۳۳.

در تشخیص مصداق اهل بیت باید به روایات مراجعه کرد، زیرا قرآن می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ»؛^(۱) «و بر تو قرآن را فرستادیم تا بر امت آنچه فرستاده شد، بیان کنی».

با مراجعه به روایات فریقین شیعه و سنی پی می بریم که مقصود به اهل بیت در آیه شریفه، پیامبر اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می باشند. اگر چه حصر در آیه اضافی است در مقابل همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و بقیه صحابه تا آن ها از شمول آیه خارج گردند؛ در نتیجه آیه تطهیر شامل بقیه اهل بیت علیهم السلام از دوازده امام نیز می شود.

۱ - مسلم به سند خود از عائشه نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله صبحگاهی از حجره خارج شد، در حالی که بر روی دوش او پارچه ای از پشم خیاطی نشده بود. حسن بن علی بر او وارد شد، او را داخل کسا کرد، آن گاه حسین وارد شد، او نیز در آن داخل شد. سپس فاطمه وارد شد، او را نیز داخل آن کرد، بعد علی وارد شد، او را نیز داخل کسا نمود؛ آن گاه این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^(۲).

۲ - ترمذی به سند خود از ام سلمه نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی حسن، حسین، علی و فاطمه پارچه ای کشید؛ آن گاه عرض کرد: بار خدایا اینان

۱- ۷۲. نحل {۱۶} آیه ۴۴.

۲- ۷۳. صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰.

اهل بیت من و از خواص من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور کن و پاکشان گردان. (۱)

۳ - همو از عمر بن ابی سلمه، ربیب پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند: هنگامی که آیه تطهیر در خانه ام سلمه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، فاطمه و حسن و حسین را دعوت نمود و روی آنان کسای کشید. علی نیز پشت سرش بود؛ آن گاه کسا را بر روی همه کشید سپس عرض کرد: بار خدایا! اینان اهل بیت من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور کن و پاکشان گردان. ام سلمه عرض کرد: ای رسول خدا! آیا من هم با آنانم؟ حضرت فرمود: تو در جای خود هستی، تو بر خیری. (۲)

۴ - همچنین به سند خود از انس بن مالک نقل می کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله تا شش ماه هنگام رفتن به نماز صبح مرتب بر درب خانه فاطمه گذر می کرد و می فرمود: الصلاه یا اهل البیت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». (۳)

۵ - احمد در مسند به سندش از ام سلمه نقل می کند: پیامبر صلی الله علیه و آله در حجره او بود، فاطمه با ظرفی از آب گوشت بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله، در حالی که در رختخواب خود نشسته و بر چیزی تکیه داده بود، فرمود: همسر و دو فرزندت را نیز دعوت کن. ام سلمه می گوید: من در حجره نماز می خواندم: در آن هنگام این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ

ص: ۴۷

۱- ۷۴. صحیح ترمذی: ج ۵، ص ۶۵۶، کتاب المناقب.

۲- ۷۵. همان، ص ۳۲۷، کتاب تفسیر القرآن.

۳- ۷۶. همان.

الرَّجَسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». ام سلمه می گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله گوشه کسا را گرفت و بر روی همه کشاند؛ آن گاه دستانش را به آسمان بلند کرد و عرض کرد: بار خدایا! اینان اهل بیت من و از خواص من هستند، رجس و پلیدی را از آنان دور ساز و پاکشان گردان. ام سلمه می گوید: به رسول خدا صلی الله علیه وآله عرض کردم: آیا من با شما هستم؟ فرمود: تو بر خیری، تو بر خیری. (۱)

مقدمه هفتم

حصر در آیه تطهیر اضافی است نه حقیقی؛ یعنی طهارت فقط مخصوص شما پنج تن است نه صحابه یا همسران پیامبر صلی الله علیه وآله. و می دانیم که در زمان نزول آیه از معصومین تنها این پنج تن بوده اند و لذا منافات ندارد که آیه تطهیر شامل افرادی شود که از امامان معصوم یکی پس از دیگری بعد از امام حسین علیه السلام آمده اند.

نتیجه این که: ائمه اهل بیت علیهم السلام از آن جمله امام زمان علیه السلام ولایت تکوینی دارند.

ص: ۴۸

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

- ۱ - تولد حضرت مهدی علیه السلام
- ۲ - امامت در سنین کودکی
- ۳ - امامت و غیبت
- ۴ - غیبت صغری
- ۵ - غیبت کبری
- ۶ - وظایف ما در عصر غیبت
- ۷ - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام
- ۸ - بررسی دعای ندبه
- ۹ - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر
- ۱۰ - دفاع از مهدویت
- ۱۱ - فلسفه حکومت عدل جهانی
- ۱۲ - نظریه پردازی درباره آینده جهان
- ۱۳ - منجی از دیدگاه ادیان
- ۱۴ - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث
- ۱۵ - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل
- ۱۶ - مهدویت و جهانی سازی
- ۱۷ - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۸ - علایم ظهور
- ۱۹ - هنگامه ظهور

۲۰ - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

ص: ۴۹

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

- ۱ - قرآن کریم/چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۲ - قرآن کریم/نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۳ - قرآن کریم/وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه
- ۴ - قرآن کریم/وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای
- ۵ - قرآن کریم/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای
- ۶ - کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- ۷ - کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۸ - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- ۹ - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای
- ۱۰ - نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی
- ۱۱ - صحیفه سجاده ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای
- ۱۲ - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران
- ۱۳ - آئینه اسرار حسین کریمی قمی
- ۱۴ - آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی
- ۱۵ - آخرین پناه محمود ترحمی
- ۱۶ - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات
- ۱۷ - آشنایی با چهارده معصوم (۲۱و)/شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی
- ۱۸ - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف الهی
- ۱۹ - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۲۰ - ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۲۱ - از زلال ولایت واحد تحقیقات

۲۲ - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۲۳ - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۲۴ - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۲۵ - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سید محمد حسین کمالی

۲۶ - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام (روسی) آلمات آبسالیکوف

۲۷ - امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۸ - امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص: ۵۱

- ۲۹ - انتظار بهار و باران واحد تحقیقات
- ۳۰ - انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری
- ۳۱ - اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۲ - با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی
- ۳۳ - بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی
- ۳۴ - بهتر از بهار/کودک شمسی (فاطمه) وفائی
- ۳۵ - پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی
- ۳۶ - پرچم هدایت محمد رضا اکبری
- ۳۷ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی
- ۳۸ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی
- ۳۹ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی
- ۴۰ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی
- ۴۱ - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی
- ۴۲ - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۳ - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله/دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۴ - تاریخچه مسجد مقدس جمکران/(فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات
- ۴۵ - تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری
- ۴۶ - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی
- ۴۷ - تشریح یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری
- ۴۸ - جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور

- ۴۹ - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی
- ۵۰ - چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد
- ۵۱ - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی
- ۵۲ - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی
- ۵۳ - حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا
- ۵۴ - ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش
- ۵۵ - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری
- ۵۶ - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی
- ۵۷ - خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۵۸ - دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی
- ۵۹ - داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد
- ۶۰ - داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

- ۶۱ - در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف
- ۶۲ - در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی
- ۶۳ - در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای
- ۶۴ - دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب های پیشاور) کریم شنی
- ۶۵ - دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی
- ۶۶ - دین و آزادی محمد حسین فهیم نیا
- ۶۷ - رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی
- ۶۸ - رسول ترک محمد حسن سیف الهی
- ۶۹ - روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی
- ۷۰ - زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات
- ۷۱ - سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی
- ۷۲ - سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران
- ۷۳ - سرود سرخ انار الهه بهشتی
- ۷۴ - سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری
- ۷۵ - سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۷۶ - سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی
- ۷۷ - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد الهی
- ۷۸ - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دو جلدی) محمد امینی گلستانی
- ۷۹ - سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)
- ۸۰ - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعه) محمد حسین نائجی

۸۱ - شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح

۸۲ - صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

۸۳ - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی

۸۴ - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

۸۵ - عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۸۶ - عطر سبب حامد حجتی

۸۷ - عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی

۸۸ - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۸۹ - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۹۰ - غدیر خم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

۹۱ - غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۹۲ - فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی

- ۹۳ - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی
- ۹۴ - فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی
- ۹۵ - فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی
- ۹۶ - فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پخش) حسن صدری
- ۹۷ - فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی
- ۹۸ - فریادرس حسن محمودی
- ۹۹ - قصه های تربیتی محمد رضا اکبری
- ۱۰۰ - کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات
- ۱۰۱ - کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات
- ۱۰۲ - کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان
- ۱۰۳ - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی
- ۱۰۴ - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)
- ۱۰۵ - گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی
- ۱۰۶ - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی
- ۱۰۷ - مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی
- ۱۰۸ - مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله
- ۱۰۹ - مفرد مذکر غائب علی مؤذنی
- ۱۱۰ - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- ۱۱۱ - منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله
- ۱۱۲ - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی

- ۱۱۳ - منشور نینوا مجید حیدری فر
- ۱۱۴ - موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- ۱۱۵ - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری
- ۱۱۶ - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب
- ۱۱۷ - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای
- ۱۱۸ - مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی
- ۱۱۹ - مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی
- ۱۲۰ - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی
- ۱۲۱ - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات
- ۱۲۲ - نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله
- ۱۲۳ - نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله
- ۱۲۴ - ندای ولایت بنیاد غدیر

۱۲۵ - نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۱۲۶ - نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۱۲۷ - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۲۸ - نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران

۱۲۹ - نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمّد رضا اکبری

۱۳۰ - و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۱۳۱ - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

۱۳۲ - وظایف منتظران واحد تحقیقات

۱۳۳ - ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۱۳۴ - هدیه احمدیه/(جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۱۳۵ - همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

۱۳۶ - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۱۳۷ - یار غائب از نظر(مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۱۳۸ - ینایع الحکمه/عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱
تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: ۶۶۹۳۹۰۸۳، ۶۶۹۲۸۶۸۷ - ۰۲۱

یزد: ۶۲۴۶۴۸۹، ۲-۶۲۸۰۶۷۱-۰۳۵۱

فریدونکار: ۱۴-۵۶۶۴۲۱۲-۰۱۲۲

ص: ۵۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

